

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته فقه مقارن و حقوق خصوصی اسلامی

عنوان

ارتباط مقاصد الشریعه و علل الشرایع

استاد راهنما

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد مبلغی

استاد مشاور

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن ربانی

نگارش

انسیه جورابچی

بهمن ۱۳۹۳

«این پایان نامه متعلق به دانشگاه مذاهب اسلامی است و هرگونه استفاده منوط به دریافت مجوز از دانشگاه می باشد.»

تقدیر و تشکر

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

شکر نعمت موجب زیادت و کفران آن موجب نقصت است؛ این شاخص نه تنها موجب کثرت نعمت که برگزیدگی و هدایت رانیر به دنبال دارد. چنانچه خداوند متعال در شان ابراهیم (علیه و علی نبینا اسلام) می فرماید: «شاکراً لأنعمه اجتباها و هداه اِلی صراطٍ مستقیم».

پس از شکر بی شبهه درگاه حق تعالی به واسطه انعام بیکران خود را مدیون تمامی انسان های شایسته و اساتید فرهیخته و مشفقان دلسوزی می دانم که روشنگر راه علمی ما بودند و اندیشه مان را از چشمه سار زلال قرآن و عترت سیراب نمودند.

و اینک که به لطف پروردگار این تحقیق به سرانجام رسیده است بر خود لازم می دانم از استاد گرامی؛ جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد مبلغی که با سه صدر و سنگینی فراوان راهنمایی پایان نامه حاضر را بر عهده گرفتند و نیز استاد عالی قدر؛ جناب حجت الاسلام و المسلمین سید حسن ربانی که مشاوره این پایان نامه را پذیرفتند، صمیمانه قدردانی و تشکر نمایم و از خداوند متعال، توفیقات روز افزون ایشان را خواستارم.

همچنین از آقای دکتر کریمی؛ مدیر محترم آموزش و مسئولین محترم و خدوم کتابخانه که در مدت محارث پایان نامه همکاری های لازم را مبذول داشتند، سپاس و قدردانی می نمایم.

چکیده

«ارتباط علل الشرايع و مقاصد الشريعة»؛ بررسی مناسبات دو دانشی خدمت‌رسان به فقه در «امامیه» و «اهل سنت» است، که پذیرش اصل «هدفمندی احکام» و «توجه به پشتوانه‌های احکام»، در حکم مشترکاتی است که سازنده پیوند این دو مقوله با یکدیگر می‌باشد.

هدف این پژوهش نیز، دستیابی به کم و کیف این مشترکات و شناخت تمایزات هر دو حوزه، نسبت به یکدیگر است.

«علل الشرايع»، امور نهفته در وراء احکام و تشریحات است که ناظر به «حکمت‌ها» بوده مضاف بر آنکه «مناطات» و «علت‌ها» نیز به دلیل إشعار به مصالح احکام، در زمره دانش علل جای می‌گیرند. هم‌چنانکه «مقاصد شریعت» به معنای اهداف شارع از وضع شریعت، می‌باشد و در یک نوع‌بندی بنیادی، به سه دسته ضروریات، حاجیات و تحسینات، تقسیم می‌شود.

بارزترین نقطه عطف دو حوزه مزبور، «مطالعه اهداف احکام» است که در ادبیات علل الشرايع، از آن به «حکمت» و در لسان اهل مقاصد به «مقاصد شریعت» تعبیر شده است با این تفاوت که مقاصد، بیشتر به اهداف کلان شریعت می‌پردازد و حکمت‌ها به اهداف خرد، نظر دارند.

«کتاب» و «سنت» در زمره منابع کشف مقاصد و علل به حساب می‌آیند مضاف بر آنکه شیوه‌هایی چون «استقراء»، «توجه به اوامر و نواهی شارع»، «توجه به دلالت‌های قرآن و سنت»، «توجه به اهداف و مقاصد اصلی و تبعی» و «توجه به مقتضیات زبان عربی»؛ یاری‌رسان ما در کشف مقاصد و حکمت‌ها از دو منبع کتاب و سنت می‌باشند. منشأ حکم در مقام استنباط، «علت» است که تحقق‌بخش مقاصد نیز می‌باشد. لکن، «حکمت»‌ها نمی‌توانند به‌عنوان علت، مبنای استنباط قرار گیرند، چراکه درک تمام حکمت حکم، مقدور مکلف نبوده و در این زمینه؛ حکم مقاصدی که در اشتراک با حکمت‌ها هستند نیز همین می‌باشد. مگر آنکه مقصدی، تمام مناط حکم نیز باشد که در این صورت، به اعتبار مناط بودن و نه مقصد بودن، می‌تواند پدیدآورنده حکم شرعی باشد.

واژگان کلیدی

مقاصد الشريعة، علل الشرايع، حکمت، علت، مناط

فهرست مطالب

کلیات

- أ) طرح مسأله ۱
- ب) اهمیت و ضرورت موضوع ۱
- ت) سؤالات تحقیق ۲
- ث) تعاریف عملیاتی ۲
- ج) پیشینه تحقیق ۳
- ح) روش تحقیق ۶
- خ) ساختار تحقیق ۶

فصل اول

ماهیت‌شناسی مقاصد الشریعه و علل الشرایع

- مبحث اول) ماهیت‌شناسی مقاصد شریعت ۹
- تاریخچه مقاصد شریعت ۹
- تعریف لغوی و اصطلاحی مقاصد شریعت ۱۲
- معنای شریعت ۱۲
- معنای مقصد ۱۴
- مقاصد شریعت در بیان اندیشوران مقاصدی ۱۴
- ۱) تعریف غزالی ۱۴
- ۲) تعریف شاطبی ۱۵
- ۳) تعریف ابن عاشور ۱۶
- قیود پذیرش امری به‌عنوان مقصد ۱۷
- ۴) تعریف علّال فاسی ۱۸

۱۸.....	تعریف احمد ریسونی	۵
۱۹.....	چکیده‌ای از معنا و مختصات مقاصدشریعت	
۲۰.....	مروری مختصر بر رویکرد عالمان شیعه به موضوع مقاصدشریعت	
۲۱.....	علامه حلی	
۲۲.....	شهید اول	
۲۲.....	فاضل مقداد	
۲۳.....	امام خمینی(رحمه‌الله‌علیه)	
۲۵.....	شهید مرتضی مطهری	
۲۶.....	شهید سید محمدباقر صدر	
۲۷.....	ثمرات شناخت مقاصدشریعت	
۲۷.....	أ) بهره‌مندی از مقاصد در زمینه استنباط حکم شرعی	
۲۹.....	ب) مقاصدشریعت به‌عنوان منبعی آگاهی‌بخش، جهت کشف محتوای نصوص شرعی	
۳۰.....	ت) انجام بهتر تکالیف در سایه اطلاع بر مقاصدشریعت	
۳۰.....	ث) تعدیل اختلافات و تحقق اتفاق آراء	
۳۰.....	ج) استعانت از مقاصد در مقام تعارض و ترجیح ادله	
۳۲.....	مبحث دوم) ماهیت‌شناسی علل الشرایع	
۳۲.....	تعریف علل الشرایع	
۳۲.....	تاریخچه علل الشرایع	
۳۹.....	ثمرات شناخت علل الشرایع	
۳۹.....	أ) فهم بهتر نصوص شرعی	
۳۹.....	ب) اقتناع مکلفین نسبت به شریعت	
۴۱.....	ت) حُسن تقنین در سایه توجه به علل الشرایع	
۴۱.....	ث) اصلاح الگوی سبک زندگی	

فصل دوم

انواع مقاصد الشریعه و علل الشرایع

مبحث اول) انواع مقاصد شریعت	۴۴
دلایل اهمیت و ضرورت بیان انواع مقاصد شریعت	۴۴
انواع مقاصد شریعت	۴۵
أ) تقسیم مقاصد بر اساس غایات اصلی و تبعی ملحوظ در احکام شریعت	۴۶
۱) مقاصد اصلی (ضروری)	۴۶
۱-۱) مقاصد ضروری عینی	۴۷
۱-۲) مقاصد ضروری کفایی	۴۸
۲) مقاصد تبعی	۴۸
ب) تقسیم مقاصد بر اساس میزان اهمیت رتبی حوزه تحت پوشش	۵۰
۱) ضروریات	۵۰
۱-۱) دیدگاه سنتی نسبت به تعداد مقاصد ضروری	۵۲
حفظ دین	۵۸
تعریف دین به عنوان مقصد شریعت	۵۸
گزاره‌های سلبی و ایجابی حفظ دین	۵۹
حفظ نفس	۶۰
حفظ عقل	۶۲
حفظ نسل	۶۴
حفظ مال	۶۵
۱-۲) دیدگاه نواندیشان نسبت به تعداد مقاصد ضروری و مصادیق آن	۶۶
حفظ نظام زندگی و استمرار صلح در عالم با صالح شدن انسان‌ها	۶۶
سماحت، اولین وصف شریعت و بزرگترین مقصد شریعت	۶۶
وحدت	۶۸

۷۰	حریت
۷۱	مساوات
۷۲	عدالت
۷۳	(۲) حاجیات
۷۵	(۳) تحسینیات
۷۵	پیوند زنجیره‌وار مقاصد شریعت، نسبت به یگدیگر
۷۸	ترتیب و اولویت مقاصد پنج‌گانه نسبت به یکدیگر
۸۷	مبحث دوم) انواع علل الشرایع
۸۷	اهمیت و ضرورت پرداختن به علل الشرایع
۸۸	انواع علل الشرایع
۸۹	أ) علت حکم
۹۰	(۱) تعریف «علت»
۹۰	(۱-۱) نظریه «امکان القاء به مکلف»
۹۱	(۱-۲) نظریه ابتناء بر فهم عرفی
۹۳	(۱-۳) نظریه «إمارة برای حکم»
۹۵	(۱-۴) نظریه «باعث» شناسه علت حکم
۹۸	(۱-۵) تعریف علت به «وصف حقیقی ظاهر منضبط»
۹۹	(۱-۶) بیان علت به «وصف ظاهر منضبط مناسب با حکم»
۱۰۴	(۱-۷) نظریه «ابتناء علت بر تقصید»
۱۰۵	اشتراکات و افتراقات دیدگاه‌ها نسبت به علت
۱۰۷	حاصل کلام درباره «علت»
۱۰۸	(۲) مناسبت میان حکم و علت
۱۱۰	(ب) حکمت حکم
۱۱۱	(۱) تعریف حکمت و دیدگاه‌های مختلف درباره آن
۱۱۱	(۱-۱) بیان حکمت به «مصلحت مورد نظر شارع از جعل حکم»
۱۱۲	(۱-۲) معرفی حکمت به «علت تشریح»

۱۱۳.....	حاصل کلام درباره حکمت
۱۱۳.....	(۲) تعلیل به حکمت
۱۱۷.....	(۲-۱) پاسخ به جواز تعلیل به حکمت
۱۱۹.....	(۲-۲) نقش حکمت در نفی حکم به بیان محقق داماد
۱۱۹.....	(۳) نحوه تشخیص علت از حکمت و تفاوت آنها
۱۲۱.....	(۴) ثمرات بحث از فلسفه احکام (حکمت‌ها)

فصل سوم

منابع و شیوه‌های استنباط مقاصد الشریعه و علل الشرایع

۱۲۶.....	مبحث اول) منابع استنباط مقاصد الشریعه و شیوه‌های کشف آن
۱۲۷.....	اصول حاکم بر مقاصد عادات و عبادات
۱۲۷.....	أ) اصل تعبدی بودن عبادات نسبت به مکلف
۱۲۹.....	ب) اصل توجه به معانی و مقاصد در عادات
۱۳۱.....	رویکردهای مختلف نسبت به کیفیت فهم مقاصد شریعت
۱۳۴.....	منابع کشف مقاصد الشریعه
۱۳۴.....	قرآن
۱۳۵.....	أ) قرآن و طرح مقاصد کلان
۱۳۷.....	ب) قرآن و طرح مقاصد تفصیلی (مقاصد خرد)
۱۳۷.....	سنت
۱۴۰.....	أ) لزوم شناخت و تفکیک شئون مختلف زندگی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به منظور فهم بهتر مقاصد
۱۴۱.....	ب) کشف مقاصد از سنت
۱۴۲.....	۱) سنت متواتره
۱۴۲.....	۱-۱) فهم مقاصد از طریق سنت متواتر معنوی
۱۴۲.....	۱-۲) فهم مقاصد از طریق سنت متواتر عملی
۱۴۳.....	۲) سکوت شارع

شیوه‌های کشف مقاصد شریعت از منابع آن ۱۴۴

- أ) استقراء ۱۴۴
- ۱) جایگاه و اهمیت استقراء در کشف مقاصد ۱۴۴
- ۲) انواع استقراء در کشف مقاصد ۱۴۸
- ب) توجه به اوامر و نواهی شارع ۱۴۹
- ۱) اخذ به ظاهر در اوامر و نواهی شارع (توجه صرف به امر و نهی ابتدایی تصریحی) ۱۴۹
- ۲) توجه به علل اوامر و نواهی شارع ۱۵۱
- ج) توجه به دلالت‌های واضح قرآنی ۱۵۱
- ح) توجه به مقاصد اصلی و تبعی ۱۵۲
- خ) کشف اهداف شریعت با توجه به قواعد فقهی ۱۵۴
- د) کشف مقاصد با توجه به مقتضیات زبان عربی ۱۵۵

مبحث دوم) استنباط علل الشرایع ۱۵۸

منابع استنباط علل الشرایع ۱۵۹

قرآن ۱۵۹

- أ) شناسایی مواضع و کیفیت بیان احکام در قرآن ۱۵۹
- ب) مصادیقی چند از علل الشرایع در قرآن ۱۶۱

سنت ۱۶۴

شیوه‌های کشف علل الشرایع ۱۶۶

أ) استقراء ۱۶۶

۱) تعریف استقراء ۱۶۷

۲) پذیرش استقراء بر اساس نظریه تراکم ظنون ۱۶۹

۳) کشف حکمت‌ها و مناطات احکام از طریق استقراء ۱۷۳

حاصل کلام درباره کاربرد استقراء در کشف «مقصد»، «مناط» و «حکمت» احکام ۱۷۳

ب) تنقیح مناط قطعی ۱۷۴

۱) تعریف تنقیح مناط ۱۷۵

۲) تنقیح مناط در متون فقیهان ۱۷۷

۳) چگونگی کشف عدم خصوصیت ۱۸۰

- ۱۸۳..... تفاوت «تنقیح مناط» و «سبر و تقسیم»
- ۱۸۴..... تفاوت «تنقیح مناط» و «الغاء فارق»
- ۱۸۵..... تفاوت «تنقیح مناط» با «تخریح مناط» و «تحقیق مناط»
- ۱۸۷..... نص بر علت (منصوص العله)

فصل چهارم

کارکرد استنباطی مقاصد الشریعه و علل الشرایع

- ۱۹۰..... **مبحث نخست) کارکرد استنباطی مقاصد الشریعه**
- ۱۹۰..... امکان استنباط حکم بر اساس مقاصد
- ۱۹۱..... حجیت حکم مستنبط بر اساس مقاصد
- ۱۹۶..... تفاوت «مقصد» با «علت» و «مناط»
- ۱۹۸..... **مبحث دوم) کارکرد استنباطی علل الشرایع**
- ۱۹۸..... نقش علت منصوص در استنباط حکم شرعی
- ۱۹۸..... پذیرش تسری حکم بر اساس «علت منصوص»
- ۱۹۸..... رأی نخست) مستثنی شدن قیاس منصوص العله از انواع قیاس باطل
- ۱۹۹..... رأی دوم) خروج موضوعی استدلال منصوص العله از قیاس
- ۲۰۳..... (ب) عدم حجیت قیاس منصوص العله
- ۲۰۳..... حاصل کلام در تسری حکم بر اساس علت منصوص
- ۲۰۵..... نقش مناط در استنباط حکم شرعی
- ۲۰۵..... نقش حکمت در استنباط حکم شرعی
- ۲۰۸..... یافته‌های پژوهشگر
- ۲۰۸..... یافته‌های پژوهش
- ۲۰۹..... پیشنهادات
- ۲۱۰..... فهرست منابع

کلیات

ا) طرح مسأله

موضوعات «علل الشرایع» و «مقاصد الشریعه»، حاصل توجه و تتبع دو مکتب شیعه و اهل سنت، نسبت به غایات احکام است که وجه مشترک این مطالعات، در تأیید و تأکید بر اصل «هدفمندی احکام شریعت» می‌باشد. بر این اساس، فصل مشترکی در مطالعات دو تفکر شیعه و اهل سنت وجود دارد که هر دو با ادبیات ویژه خود و درون‌مایه‌های مذهبشان به یک حوزه خاص توجه کرده‌اند که ماحصل مشترکی نیز در پی داشته است. آن حوزه مطالعاتی خاص، همان «شریعت اسلام» است که با تمرکز بر اصل هدفمندی احکام، دست‌آورد مشترک این مطالعات، با توجه به ظرفیت‌های شیعه، تحت عنوان «علل الشرایع» ارائه می‌شود در حالیکه نگاه‌ها و درون‌مایه‌های تفکر اهل سنت، آفریننده «مقاصد شریعت» بوده است که تمرکز این تحقیق نیز بر فهم کیفیت ارتباط این دو حوزه نسبت به یکدیگر است.

ب) اهمیت و ضرورت موضوع

یکی از بهترین راه‌های فهم اهمیت و ضرورت هر مسأله‌ای، با «در نظر گرفتن فواید و کارکردها» یا «حذف نتایج آنها»، آشکار می‌شود. لذا، با مروری اجمالی بر فواید مطالعه هر یک از مباحث علل و مقاصد، و نتایج مطالعه تطبیقی آنها، می‌توان به ضرورت موضوع، پی برد.

برای نمونه، یکی از کارکردهای مهم موضوع مقاصد، بهره‌گیری از آن به‌عنوان منبعی آگاهی‌بخش، جهت کشف بهتر محتوای نصوص شرعی است و لذا در صورت فقدان چنین نگرشی، چه‌بسا فهم ما به بیراهه کشیده شده و یا لاقفل فهمی ناقص و نارس به‌دست آید و از همین رو است که شاطبی، تسلط مجتهد بر دانش مقاصد را به عنوان یکی از شروط لازم استنباط و اجتهاد، دانسته است.

طبیعتاً حاصل این رویکرد، بروز تحولات گسترده و عمیقی است، از آن جمله آنکه استنباط، غایت‌مدار بوده و با خروج از حالت خُرد و جزئی، نگاه‌های کلان‌تر و هدفمندتری را پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، مطالعه درباره علل الشرایع نیز مطالعه نسبت به پشتوانه‌های احکام است. در حقیقت، مطالعه علل الشرایع [که حکمت‌ها بخش مهمی از آن هستند]؛ ورود در یک بحث عقلانی‌سازی احکام می‌باشد که در صورت فقدان چنین عقلانیتی در مواجهه با احکام، نمی‌توان استنباطی هوشمندانه داشت. البته مواردی چون: فهم بهتر نصوص، حُسن تقنین در سایه شناسایی اهداف شریعت، اصلاح سبک زندگی و اقتناع مکلفین نسبت به شریعت

نیز از آثار و فوائد سازنده توجه به علل الشرایع است و ناگفته پیداست که با توجه به ثمرات نامبرده؛ کم‌توجهی و بی‌اعتنایی به این دانش‌ها، چه آثار ناهنجاری را می‌تواند بر جای گذارد.

از سوی دیگر، با مطالعه تطبیقی این دو حوزه، می‌توان به شناختی مناسب از ظرفیت‌های هر تفکر، قوت و ضعف آنها و اشتراکات و تمایزات هر کدام، دست یافت و با درک نقاط هم‌پوشانی، مساعدتی نیکو در توسعه فقه اسلامی را دنبال نمود.

همچنین با شناخت اشتراکات و نقاط قوت هر تفکر، زمینه بهره‌گیری یکی از دیگری در نقاط ایجابی مربوط به طرف مقابل نیز فراهم می‌آید.

البته از دیگر فوائد بررسی تطبیقی اینگونه موضوعات، خلق آثاری سودمند در سایه پیدایش مطالب جدید و افق‌های نوین علمی است، و توسعه چنین مطالعاتی، موجب گسترش تعامل و تقویت هم‌گرایی مسلمانان و تحکیم مبانی تقریب، میان مذاهب اسلامی می‌شود که از ضرورت‌ها و بایسته‌های این مقطع تاریخی به حساب می‌آید.

ت) سؤالات تحقیق

۱) علل الشرایع و مقاصد الشریعه دارای چه اشتراکات و افتراقاتی، نسبت به یکدیگر می‌باشند؟

۲) نقش مقاصد الشریعه و علل الشرایع در استنباط احکام چیست؟

ث) تعاریف عملیاتی

علت: «علت حکم»، وصف ظاهر منضبطی است که در تناسب با حکم بوده و مظنه تحقق حکمت حکم در آن وجود دارد، و ارتباط آن با «حکم» به گونه‌ای است که «حکم» و «علت»، دایر مدار یکدیگرند.^۱

حکمت: حکمت، همان جلب منفعت یا دفع مفسده‌ای است که شارع در زمان تشریح احکام در قالب اوامر و نواهی، تحقق آنها را مقصود خود قرار داده است.^۲ حکمت‌ها برخلاف علت‌ها، دایر مدار حکم نبوده و حتی گاه، شاهد تخلف حکمت‌ها از احکام نیز هستیم.^۳

علل الشرایع: امور نهفته در وراء احکام و شرایع می‌باشد؛ خواه شرایع به معنای تشریح، که پشتوانه‌های آن را حکمت‌ها تشکیل می‌دهند و خواه به معنای اسم مصدر که پشتوانه‌هایشان، ناظر به علت احکام می‌باشد.

۱. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، القوائد و الفوائد فی الفقه و الاصول و العریبه، الجزء الاول، جلد اول، قم، نشر مفید، بی‌تا، ص ۳۹.

۲. أبوزهره، محمد، اصول الفقه، قاهره، دارالفکر العربی، بی‌تا، ص ۲۲۲.

۳. الزحیلی، وهبه، اصول الفقه الاسلامی، الجزء الاول، دمشق - سوریه، دارالفکر، ۱۴۱۶ هـ ق - ۱۹۹۶ م، ص ۶۵۱.

مقاصد الشریعه: «مقاصد الشریعه»، «مقاصد الشارح» و «مقاصد الشریعه»، معانی واحدی را در بر دارند^۱ که به معنای «غایت شریعت و اسراری است که شارع به هنگام تشریح هر یک از احکام خود، وضع نموده است.^۲» مقاصد شریعت، به سه دسته «ضروریات»، «حاجیات» و «تحسینیات»، تقسیم می‌شوند^۳ که مقاصد پنج‌گانه، در ذیل ضروریات، جای می‌گیرند.^۴

ج) پیشینه تحقیق

پیشینه موضوع مورد بحث، در دو حوزه پژوهش‌های «انفرادی» و «تطبیقی»، تمایز دارد. به صورت مطالعه انفرادی در هر یک از موضوعات «مقاصد الشریعه»، «علل الشرایع»، و موضوعات مرتبط؛ یعنی مباحث «حکمت»، «علت» و «ملاک» که تشکیل‌دهنده مجموعه علل الشرایع اند، تألیفات متعددی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه صورت گرفته است.

برای نمونه؛ آثاری چون: «علل الشرایع» شیخ صدوق، «علل الشریعه» هشام بن حکم، «العلل» فضل بن شاذان نیشابوری، «علل الشرایع» مفضل بن عمر جعفی و مانند آن در شیعه؛ و «الصلاة و مقاصدها» از حکیم ترمذی، «حکمة التشريع و فلسفته» از علی احمد الجرجاوی، «اهداف التشريع الاسلامی» از محمد حسن ابو یحیی و «تعلیل الاحکام» از محمد مصطفی شلبی؛ نیز در اهل سنت، کتاب‌هایی هستند که با هدف معرفی فلسفه احکام به نگارش درآمده‌اند.

همچنین کتاب «ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن» از سید محمدعلی ایازی از کتب نوشته‌شده با موضوع ملاک احکام است و مقالاتی چون: «فقه و ملاکات احکام» از سید احمد میرخلیلی، «شیوه اکتشاف ملاک و نقش آن در تغییر احکام» از سعید رحیمیان، «امکان فهم مصالح و مفاسد مورد نظر شارع» از ابوالقاسم علیدوست، «روش قرآن در بیان ملاکات و علل احکام» از سید محمدعلی ایازی، مواردی چند از آثار نوشته‌شده در این زمینه می‌باشد.

«ملاکات احکام معاملات در فقه امامیه» از منیره حق‌خواه و «تیین ملاکات و مناطات احکام و نگرش امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در آن» از زینب شفیعی، نیز نمونه‌ی پایان‌نامه‌هایی هستند که با موضوع ملاک احکام، به نگارش درآمده‌اند.

۱. القیاتی، محمد احمد، مقاصد الشریعه عند الامام مالک، المجلد الاول، قاهره، دارالسلام، ۱۴۳۰ هـ، ۲۰۰۹ م، ص ۶۷.

۲. دراسات فی فلسفه اصول الفقه و الشریعه و نظریه المقاصد، ص ۷۱ به نقل از: فاسی، علال، مقاصد الشریعه و مکارمها.

۳. الموافقات فی اصول الشریعه، جلد سوم، دارالکتب العلمیه، ص ۲۰.

۴. پیشین، الجزء الثاني، المكتبة العصرية، ص ۹.

در موضوع «مقاصدشریعت» نیز کتب متعددی وجود دارد، که طبیعتاً سهم بسیاری از این نگاشته‌ها از آن عالمان و محققان اهل سنت می‌باشد. در این زمینه هم می‌توان به کتاب‌هایی چون المستصفی اشاره نمود که نگارنده با طرح موضوع مصلحت، که محور مقاصدشریعت می‌باشد، راهی به موضوع مقاصد گشوده است. مضاف بر آنکه در کتب اصولی ایشان نیز اکثراً عنوان مقاصدشریعت، طرح، و به‌تناسب، بدان پرداخته شده است.

البته اثر شاخص و مهم شاطبی به نام «موافقات»؛ در پیش‌برد موضوع مقاصد و ایجاد تحول در این زمینه، بسیار مؤثر بوده و سایر نگاشته‌ها، به‌گونه‌ای، پی‌جویی نظریه مقاصد با توجه به این تألیف شاطبی است. در حقیقت، تا پیش از او، موضوع مقاصد، نهایتاً در کتب اصولی، طرح می‌شد. لکن پس از نگارش موافقات، و با گذشت زمان و شناخته شدن اثر او، تألیفاتی مستقل با موضوع مقاصد به رشته تحریر درآمد که برخی در قالب کتاب و برخی در قالب پایان‌نامه و مقالات می‌باشد.

کتاب‌هایی چون: «مقاصدالشریعة» ابن عاشور، «مقاصدالشریعة الاسلامیة» از زیاد محمد احمدیان، «اهمیه المقاصد فی الشریعة الاسلامیة و أثرها فی فهم النص و استنباط الحکم» از عبدالوهاب الجندی، «دراسات فی فلسفة اصول الفقه و الشریعة و نظریة المقاصد» از علی حب‌الله، «ضوابط اعتبار المقاصد» از عبدالقادر حرزالله، «ابحاث فی مقاصدالشریعة» و «المقاصدالشریعیة» از نورالدین الخادمی، «المقاصد العامة للشریعة الاسلامیة» از یوسف حامد العالم، «مقاصدالشریعة الاسلامیة و مکارمها» از علال الفاسی، «نحو تفعیل مقاصدالشریعة» از جمال‌الدین محمد عطیه و «الفکر المقاصدی؛ قواعد و فوائده» از احمد ریسونی؛ نمونه‌ای چند از مجموعه بسیار کتب نگاشته شده در این زمینه می‌باشد.

همچنین کتاب‌های «نظریة المقاصد عند الامام شاطبی» از احمد ریسونی؛ و «نظریة المقاصد عند الامام محمد الطاهر بن عاشور» از اسماعیل الحسنی، آثاری هستند که نویسندگانشان به تفسیر آراء شاطبی در «الموافقات» و این عاشور در «مقاصدالشریعة» پرداخته‌اند.

«مقاصدشریعت» به نگارش محمود ویسی نیز عنوان پایان‌نامه‌ای است که به بررسی نظریه مقاصد و موضوعات مرتبط با آن پرداخته است.

مضاف بر کتب و پایان‌نامه نام‌برده، مقالات متعدد و حتی مصاحبه‌هایی با موضوع مقاصد، به‌چاپ رسیده است که می‌توان به این موارد اشاره نمود: «قراءة فی نشأة علم الاصول و مقاصدالشریعة» از محمد المهاجر، «الشیخ محمد الطاهر بن عاشور و کتابه مقاصدالشریعة الاسلامیة» از سرمد الطائی، «مقاصدالشریعة و اهداف الامة قراءة فی الموافقات للشاطبی» از حسن حنفی، «رؤية علمية لتجديد مقاصدالشریعة» از طه عبدالرحمن، «از مناسبت تا مذاق فقه، راه‌هایی به مقاصدشریعت» از حسین صابری، «فقه و مقاصدشریعت» از ابوالقاسم علیدوست، «مقاصدشریعت

از دیدگاه محمدجواد مغنیه» از رحیم وکیلزاده، «اهداف دین، درنگی در «نظریه المقاصد عند الامام شاطبی» از سید حسن اسلامی.

لکن در زمینه مطالعات تطبیقی، و خاصاً موضوع این تحقیق که شناخت «ارتباط علل الشرایع و مقاصد الشریعه» می‌باشد، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است.

برای نمونه؛ «تعلیل الشریعة بین السنة و الشیعة» از خالد زهری، عنوان کتابی است که به منظور شناسایی مواضع اشتراک اهل سنت و امامیه در تعلیل احکام به‌نگارش درآمده است و در همین راستا به تبیین اشتراکات دو مکتب در موضوعات «علت»، «حکمت»، «مصلحت» و «مقاصد» پرداخته و در نهایت، به‌عنوان ثمره بحث، به بررسی این مصادیق در نگاشته‌های شیخ صدوق و حکیم ترمذی که از شخصیت‌های مبرز شیعه و سنی در توجه به فلسفه احکام هستند، می‌پردازد.

لذا موضوع کتاب، ربط نزدیکی با تحقیق پیش رو دارد، با این تفاوت که به‌طور واضح، به تبیین دانش‌های علل الشرایع در امامیه و مقاصد در اهل سنت که زیر چتر «اصل هدفمندی احکام» به‌وجود آمده‌اند، نپرداخته و صرفاً مباحث «علت»، «حکمت» و «مصلحت» را به‌عنوان گزاره‌های مشترک مذاهب، مورد مطالعه قرار داده است. اما در تحقیق حاضر، اساس کار بر معرفی دانش‌های مقاصد و علل می‌باشد که زمینه مشترکشان، توجه به هدفمندی احکام می‌باشد و موضوعات «علت»، «حکمت» و «ملاکات» احکام نیز در ذیل این عناوین، دنبال می‌شود و لذا مرزشناسی دقیق‌تری نسبت به موضوع تعلیل و فلسفه احکام، در دو مکتب، به‌دست می‌آید.

در پایان‌نامه‌های ارائه‌شده در این موضوع نیز، هدف تحقیق، اولاً؛ «بررسی نظریه مقاصد» و در گام بعدی؛ بررسی «جایگاه مقاصد در فقه شیعه» می‌باشد. اما به نظر می‌رسد این پژوهش‌ها، در عین نتایج مفیدشان، نیازمند تکمیل است. یعنی؛ طرح بحث مقاصد در فقه شیعه، صحیح می‌باشد، چراکه محور این نظریه بر «هدفمندی احکام» است که مورد قبول عالمان مذاهب است، و اساساً همین وجه اشتراک، است که انتظار توجه به نظریه مقاصد در فقه شیعه را می‌سازد؛ لکن گاهی، سمت و سوی بحث، به‌جانب توجیه دغدغه شیعه در توجه به مصالح با انطباق آن بر مقاصد می‌رود و حال آنکه تفکر علل الشرایع، دقیقاً بر همین مبنا در امامیه شکل گرفته است، گرچه دارای اثر پررنگ و قابل ملاحظه‌ای، لا اقل در سطح مقاصد نمی‌باشد.

برای نمونه، پایان‌نامه «جایگاه مقاصد الشریعه در فقه امامیه» به‌نگارش مهدی گرامی‌پور، به راه‌های کشف مقاصد شریعت و تأثیر آن بر فقه، با توجه به چارچوب اجتهاد شیعی می‌پردازد. لکن بحث شفاف‌تری در باب عدل موضوع مقاصد که همان علل الشرایع است صورت نمی‌گیرد.

همچنین پایان‌نامه دیگری با عنوان «مقاصد شریعت در متون فقهی معاصر امامیه» به نگارش زینب افقهی می‌باشد که چارچوب آن در سه فصل؛ بر «شناخت مقاصد شریعت»، «بررسی مقاصد در اصول و قواعد امامیه» و در نهایت، «تقریر به اهمیت مقاصد در فقه امامیه با آوردن مثال‌هایی چند از متون فقهی» نوشته شده است.

پایان‌نامه دیگری نیز با عنوان «مقاصد الشریعة و دورها فی عملیة الاستنباط عند الفریقین» به نگارش حیدر حسینی از جامعه المصطفی العالمیه می‌باشد که [طبق موضوع] هدف نگارنده؛ تبیین نقش مقاصد شریعت در استنباط احکام است. در این پایان‌نامه، پس از پرداختن به اصل «تبعیت احکام از مصالح»، به تبیین موضوع مقاصد شریعت پرداخته و سپس محور بررسی این موضوع را در امامیه با بحث دستیابی به مصالح و ملاکات احکام آغاز می‌نماید. لذا نویسنده از بحث «ملاکات احکام» در امامیه - که جزئی از مجموعه علل الشرایع به حساب می‌آید - به عنوان نقطه اشتراکی بهره گرفته تا با توضیح آن، به قوت ارتباط میان شیعه و اهل سنت در توجه به هدفمندی احکام بیافزاید. اما، این بحث نیز بسیار کلی بوده و نقاط مبهم در باب توجه شیعه به فلسفه احکام همچنان باقی است و مدار بحث بیشتر بر اساس اندیشه مقاصد، پیگیری می‌شود.

لذا با توجه به وجود ظرفیت علمی‌ای مانند «علل الشرایع» در شیعه و با توجه به ظرایف و گستردگی موضوع مقاصد شریعت، به نظر می‌رسد که ابتدا باید مباحثی چند، در قالب مبانی، تحریر شده تا بتوان به قضاوتی عادلانه در موضوع «توجه به مقاصد و حکمت‌ها» در مذاهب رسید، و در گام بعدی از ثمرات علمی این موضوعات، در هر موضوع فقهی به‌طور جزئی و در اجتهاد به‌طور کلی، بهره‌مند شد، و آنچه که در تحقیق پیش رو وجود دارد، تا حدی تأمین‌کننده این مهم می‌باشد.

(ح) روش تحقیق

گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای بوده، و روش تحقیق، «توصیفی - تحلیلی» می‌باشد. البته جنبه توصیفی، صبغه بیشتری دارد، چراکه چارچوب تحقیق بر شناخت نقاط ارتباط و افتراق دو حوزه علل و مقاصد است و این امر، با ارائه گزارش و توصیف مسائل آن میسر است که نهایتاً به شناخت اشتراکات و افتراقات، ختم می‌شود.

(خ) ساختار تحقیق

این تحقیق، به‌منظور بررسی ارتباط «علل الشرایع» و «مقاصد الشریعه» در چهار فصل، تنظیم شده است که هر فصل، مشتمل بر دو مبحث می‌باشد و در هر مبحث، مطالب مربوط به هر یک از موضوعات «علل» و «مقاصد»، مُناظر یکدیگر و در عین حال، جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل نخست، تحت عنوان «ماهیت‌شناسی مقاصدشریعت و علل الشرایع» می‌باشد که به «مفهوم‌شناسی واژگان و مصطلحات کاربردی»، «بیان تاریخچه هر کدام از موضوعات علل و مقاصد» و «ثمرات شناخت هر کدام» می‌پردازد.

پس از شناخت ماهیت و چیستی «مقاصد» و «علل»، در فصل دوم، به بیان انواع مقاصدشریعت و علل الشرایع پرداخته می‌شود که گامی مهم در شناخت زوایا و نقاط مشترک دو موضوع، می‌باشد. لذا در مبحث مربوط به انواع مقاصد، به بیان اهمّ تقسیم‌بندی‌های کاربردی مقاصدشریعت، یعنی تقسیم مقاصد بر اساس «غایات اصلی و تبعی ملحوظ در احکام شریعت» و تقسیم بر اساس «میزان اهمیت مقاصد حوزه تحت پوشش» پرداخته می‌شود. همچنین در مبحث مربوط به انواع علل نیز به تبیین و تعریف «علت حکم» - که ناظر به علت منصوص و علتی است که از طریق تنقیح مناط قطعی به دست می‌آید - و «حکمت حکم» به‌عنوان اقسام علل الشرایع، پرداخته شده است. فصل سوم، نیز در پی تبیین انواع مقاصد و علل می‌باشد که این تلاش، متکی بر دو شناخت است؛ یکی ناظر به «منابع کشف پشتوانه‌های احکام» و دیگری معطوف به «شیوه‌های کشف آن» می‌باشد. لذا موضوع فصل سوم، تبیین «منابع و شیوه‌های کشف مقاصدشریعت در اهل سنت» و «منابع و شیوه‌های کشف علل الشرایع در امامیه» می‌باشد.

و در نهایت، آنچه که در فصل چهارم به‌عنوان خاتمه، مورد بررسی قرار گرفته است، ارائه مبحثی کاربردی، پس از بیان مباحث نظری می‌باشد که عبارت است از: «نقش مقاصد و علل [حکمت، علت منصوص و مناط] در استنباط احکام شرعی»؛ با اذعان به اینکه هر کدام از این گزاره‌ها، واجد نتایج و کارکردهای مهم دیگری نیز می‌باشند. همچنین، پس از ایراد توضیحات، در انتهای هر قسمت، چکیده‌ای به‌منظور بیان نتیجه‌ی آنچه گذشت و بیان یافته‌های پژوهشگر، طرح شده و بنا به رعایت سیاق نگارش‌های علمی که مقرون به تحلیل و ارزیابی است؛ به‌مدد راهنمایی و مشورت اساتید معظم، در موارد ضروری به ارائه تحلیل و نظر نیز پرداخته شده است.

فصل اول:

ماهیت‌شناسی مقاصد الشریعه

و

علل الشرایع

مبحث اول

ماهیت‌شناسی مقاصد الشریعه

تاریخچه مقاصد شریعت

ارائه تاریخچه از موضوعاتی که دارای پیشینه هستند، رویه‌ای عادی است در عین آنکه ثمرات بی‌نهایت مؤثری در پژوهش‌ها دارد، چراکه «آگاهی از سیر تاریخی و چگونگی پیدایش یک علم و اطلاع بر اینکه، این اصطلاح در چه بستری پدید آمده و عالمان آن رشته در چه فضا و شرایطی آن را به کار گرفته‌اند؛ در کیفیت فهم و قضاوت ما تأثیر فراوان دارد.»^۱

«اصطلاح مقاصد الشریعه در فقه اهل سنت، تلاش‌هایی را به یاد می‌آورد که به‌رغم آنکه در طول تاریخ فقه، کمتر به گرمی پذیرفته شده؛ لکن از دو قرن پیش تا کنون، مورد توجه روز افزون قرار گرفته است. توانمندسازی این مهارت در فقه، تدبیری است که بسیاری از نوپردازان فقه معاصر اهل سنت، برای فرار از جمود در الفاظ به آن روی آورده و می‌کوشند تا با تأکید بر مقاصد شریعت و نه الفاظ آن، از توقف و ایستایی در مکانی خاص بگریزند و به شناسایی روح و معانی تعالیم شریعت بپردازند.»^۲ نخستین سرچشمه‌های مطالعه مقاصد به قرن چهارم باز می‌گردد که در این زمینه می‌توان از محمد بن علی ترمذی یاد نمود که کتب «الصلاه و مقاصدها» و «کتاب‌العلل» از نمونه تألیفات ایشان با رویکرد توجه به اهداف شریعت می‌باشد.

البته «تلاش‌های جویی را باید به عنوان نخستین بارقه‌های شکل‌گیری این فن مهم فقهی در اندیشه اهل سنت دانست.»^۳ در واقع «بنا بر اتفاق رأی جمع کثیری از محققین، بسیاری از نکات مبتکرانه دانش مقاصد، از جانب جویی (م ۴۷۸) مطرح شده که بیان آن، پیش از او سابقه نداشته است. لفظ مقاصد و مشتقات آن همچون «مقصود» و «قصد» و یا حتی الفاظ مترادف، مانند «اغراض» و «معانی»، در نوشته‌های او پُر کاربرد است که این مطلب، حکایت از شناخت او از ارتباط احکام شریعت با مقاصد را دارد»^۴. لذا در عبارتی می‌گوید: «هر کس وقوع مقاصد در اوامر و نواهی را نشناخت و درک نمود، بصیرتی در وضع [احکام] شریعت ندارد.»^۵ در ادامه این روند، غزالی (م

۱. ایازی، سید محمد علی، ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تابستان ۱۳۸۶، ص ۵۱.

۲. مبلغی، احمد، فنون فقهی؛ راهکاری جهت توانمندسازی و توسعه فقه، نشریه کاوشی نو در فقه اسلامی، ش ۴۱، پاییز ۱۳۸۳، تلخیص از ص ۱۵.

۳. پیشین.

۴. حرز الله، عبدالقادر، ضوابط اعتبار المقاصد، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م، ص ۱۷۳ به نقل از نظریه المقاصد عند الشاطبی، الریسونی، ص ۳۴.

۵. پیشین، ص ۱۷۳ به نقل از «البرهان فی اصول الفقه»، الجویی، ج ۱، ص ۱۰۱: «من لم یفطن لوقوع المقاصد فی الاوامر و النواهی فلیس علی بصیره فی وضع الشریعة».